

- سرشناسه: نشست علمی شهید مطهری و حقوق بشر
- عنوان و نام پدید آور: مجموعه مقالات نشست علمی شهید مطهری و حقوق بشر/ به کوشش مهدی بهنیافر؛ زیر نظر معاونت پژوهشی دانشگاه علامه طباطبائی تهران: دانشگاه علامه طباطبائی، ۱۳۹۶.
- مشخصات نشر: ۱۴۵ ص.
- مشخصات ظاهری: انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی؛ ۴۳۲.
- فروست: ۷-۲۷۵-۲۱۷-۹۶۴-۹۷۸: ۱۰۰۰۰ تومان
- شابک: فیبا
- وضعیت فهرست نویسی: مطهری، مرتضی، ۱۲۹۸ - ۱۳۵۸ -- کنگره‌ها
- موضوع: Motahari, Mortaza -- Congresses
- موضوع: بهنیافر، مهدی، ۱۳۵۷ - گردآورنده
- شناسه افزوده: دانشگاه علامه طباطبائی.
- شناسه افزوده: ۱۳۹۶ م ۵۶م BP۲۳۳/۷
- رده‌بندی کنگره: ۲۹۷/۴۸۲
- رده بندی دیوئی: ۴۸۹۹۵۴۷
- شماره کتابشناسی ملی:

مجموعه مقالات نشست علمی
شهید مطهری و حقوق بشر

به کوشش:

دکتر مهدی بهنیا فر

عضو هیأت علمی دانشگاه علامه طباطبائی



مجموعه مقالات نشست علمی
شهید مطهری و حقوق بشر

به کوشش:
دکتر مهدی بهنیا فر

زیر نظر معاونت پژوهشی دانشگاه	
شابک: ۷-۲۷۵-۲۱۷-۹۶۴-۹۷۸	
لیتوگرافی، چاپ و صحافی: مرکز چاپ و انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی	
ویراستار: مهتاب برگریزان	سر ویراستار: نازیلا فرمانی انوشه
صفحه‌آرا: مریم زندی	ناظر فنی: رضا دنیوی
مرکز چاپ و انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی؛ تهران، بزرگراه شهید همت، دهکده المپیک، میدان ورزش	
تلفن مرکز انتشارات: ۴۴۷۳۷۵۶۰	صندوق پستی: ۱۵۸۱۵/۳۴۸۷
چاپ اول ۱۳۹۶	شمارگان: ۱۰۰
قیمت: ۱۰۰۰۰ تومان	

تعامل مقصدگرایی و انسان‌گرایی در اندیشه شهید مطهری

رحیم نوبهار^۱

عضو هیئت علمی دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی

۱. شهید مطهری به لحاظ روش اجتهادی، فقهی مقصدگرا و زمینه‌گراست. او از دیگر سو اندیشمندی انسان‌گرا هم هست. شهید مطهری به سهم خود رویکرد مقصدگرایانه و زمینه‌گرایانه را به‌مثابه یک روش در خدمت برداشتی انسان‌گرا از آموزه‌های شریعت به کار گرفته است. در دستگاه اندیشه او رویکرد روشی وی با قرائتی انسانی‌اش از دین سازگار است. آن روش اجتهادی به‌خوبی می‌تواند در فهمی انسانی از دین به کار آید.
۲. منظور از مقصدگرایی رویکردی است که برخلاف متن‌گرایی ظاهرگرا به مقاصد موردنظر در ورای متن اهمیت می‌دهد؛ در این رویکرد مفسر متن می‌کوشد تا با پرهیز از نشانه‌شناسی صرف به فرامتنی و معناشناسی روی بیاورد و به معانی نهایی موردنظر متن دست یابد. شهید مطهری با پذیرش نوعی ملازمه میان حسن و قبح ذاتی و حسن و قبح عقلی بر آن است که به‌محض اینکه فقیه اندیشه اعتزالی تبعیت احکام از مصالح و مفاسد را بپذیرد باید راه عقل به روی فهم مصالح و مفاسد را

۲ مجموعه مقالات و گفتارهای نشست علمی شهید مطهری و حقوق بشر

هم - دست کم در حوزه مسائل اجتماعی که او آن‌ها را رابطه انسان با انسان می‌داند - باز بداند. به نظر استاد مطهری فلسفه احکام اگر به درستی و روشمند استحصال شده باشد توان آن را دارد که مقید یا متخصص احکام شریعت باشد؛ از این رو شهید مطهری بی شک فقهی مقصدگراست؛ بدین سان او ضمن پایبندی به متن به مثابه منبع در آن همچون آینه‌ای که مقاصد شارع را می‌نمایاند نظر می‌افکند.

۳. کاوش در روش استاد مطهری همچنین نشان می‌دهد که او زیر تأثیر روش اجتهادی استادش؛ آیت‌الله العظمی بروجردی رهیافتی زمینه‌گرا را برای فهم متون دینی به کار می‌بندد. او به لحاظ روشی اصرار می‌ورزد که برای فهم درست متون باید به زمینه‌های تاریخی - اجتماعی صدور متن رفت. به لحاظ تاریخی، استاد مطهری این روش را از استادش؛ آیت‌الله بروجردی فراگرفته است. شهید مطهری مؤمنانه از روش فقهاتی استاد خود سخن به میان آورده می‌گوید: «چون به روش فقاقت ایشان ایمان دارم معتقدم که باید تعقیب و تکمیل شود» (مطهری، ۱۳۶۷: ۲۰۲).^۱

به نظر شهید مطهری توجه به ذهنیت راوی یا مخاطبان روایات، تحلیل روحیه راویان احادیث، توجه دقیق به معنای واژگان متن در محیط صدور آن‌ها، احاطه به تاریخ اسلامی، توجه به فضای نزول آیات قرآن مجید و نیز توجه به جو صدور روایات و محیط‌هایی که فقه در آن‌ها به تدریج رشد کرده است، بخشی از جنبه‌های زمینه‌گرایی آیت‌الله العظمی بروجردی است (مطهری، ۱۳۶۷: ۲۰۲-۲۰۳). این رویکرد البته توسط برخی از شاگردان آیت‌الله بروجردی مانند آیت‌الله منتظری نیز به طور وسیع به کار گرفته شده و توسعه داده شده است.

۴. استاد مطهری روش آیت‌الله بروجردی را در حوزه‌های مهم و

۱. مزایا و خدمات مرحوم آیت‌الله بروجردی در: تکامل اجتماعی انسان.

تعامل مقصدگرایی و انسان‌گرایی در... ۳

بحث‌برانگیزی از فقه به کار بسته است. استاد مطهری در رساله کوتاه اما پرمحتوای جهاد، کوشیده است تا با تفسیر تاریخی و زمینه‌گرایانه از متون مربوط به جهاد، قرائتی مداراگرایانه از آیات و روایات جهاد را که دست‌مایه جهاد برای تحمیل عقیده قرار می‌گیرد، به توصیه‌هایی برای دفاع جامعه اسلامی از کیان خود تفسیر و تعبیر نماید. این کاری ستودنی و بزرگ است. او در کتاب حجاب هم با ارائه انبوهی از شواهد تاریخی تلاش کرده است تا از اعمال محدودیت‌های بی‌دلیل بر زنان مانند لزوم ستر صورت و دست‌ها یا ممنوعیت شنیدن صدای زنان جلوگیری شود. بی‌گمان این رویکرد و دغدغه در میان انگیزه‌های گوناگون قابل‌تصور برای نگاشتن این کتاب جایگاهی برجسته دارد.

۵. شهید مطهری هم‌زمان گونه‌ای انسان‌گرایی خاص را نیز پیگیری می‌کند. در نگاه فلسفی او مفاهیمی مانند: «کرامت انسان»^۱ و «آزادی» و «مساوات» و «برابری» که بنیادهای حقوق انسان‌اند تا اندازه‌ای برجسته است. او در جای‌جای نوشته‌های خود این مفاهیم را مقدس قلمداد می‌کند و از وارونه سنت‌گرایی که از این مفاهیم گریزان‌اند، به گرمی استقبال می‌کند. هرچند استاد در کاریست آن‌ها در استنباط‌های فقهی سخت محتاط است. در انسان‌گرایی استاد مطهری با این حال تمایل آشکاری به معنویت‌گرایی و تعالی‌جویی نیز موج می‌زند. او خوانشی از آزادی را ترجیح می‌دهد که در آن انسان در خدمت به فعلیت رسانیدن قابلیت‌های کمال‌جویانه خویش است.

۶. انسان‌گرایی شهید مطهری با خوانش فردگرایانه رایج در مدنیت غربی

۱. استاد البته گاه از کرامت نفس همچون بنیادی اخلاقی و محوری برای اخلاق اسلامی نیز سخن می‌گوید (برای نمونه ن.ک: مطهری، مرتضی، حماسه حسینی، ج ۳، ص ۳۳۱، صدرا، تهران، چاپ اول، ۱۳۶۵) و آن را اصل بزرگ اسلامی که در قیام امام حسین (ع) بسیار برجسته است می‌شمارد. (همان، ص ۳۸۱) باید واکاوی کرد که این کرامت با کرامت انسانی در معنای هنجاری آن‌که بنیاد حقوق بشر است تا چه اندازه همپوشانی دارد.

آشکارا متفاوت است. اندیشه‌های شهید مطهری از مایه‌های جامعه‌گرایی نسبتاً پررنگی برخوردار است. او در مباحث گوناگون از وجود استقلال جامعه در برابر فرد و تقدم مصالح اجتماعی بر مصالح فردی سخن می‌گوید (مطهری، ۱۳۷۰: ۲۰۴). او به پیروی از استادش؛ علامه طباطبائی برای اقوام و ملت‌ها شخصیتی جدا از افراد به رسمیت می‌شناسد و حتی ملت‌ها و اقوام را دارای حس، روح و احساس و ادراک می‌داند (همان: ۲۱۸)؛ باین حال، به نظر او فرد در مقایسه با جامعه حالت نیمه‌مستقل و نیمه‌آزاد دارد؛ یعنی، در عین اینکه عضو و محکوم جامعه است، می‌تواند حاکم بر جامعه خودش باشد (همان: ۲۲۲). به نظر استاد مطهری قرآن بر عقل و تعقل یعنی فکر مستقل بشر تأکید دارد. قرآن برای وجدان و عقل و اراده انسان اصالت و استقلال و آزادی در مقابل محیط قائل است (همان: ۲۴۲). شهید مطهری تأکید قرآن مجید برای شخصیت‌های برجسته را نوعی «اصاله الانسان» یا «اصاله الوجدان الانسانی» تعبیر و تفسیر می‌کند (همان: ۲۲۸). به نظر شهید مطهری زندگی انسان در قرآن از آدم شروع می‌شود؛ از یک انسان، آن‌هم یک انسان معلم. انسان و تمایلات انسانی بیش از وجود جامعه هم وجود دارد (همان: ۲۲۸-۲۲۹)؛ باین حال، تقریر شهید مطهری از کرامت انسانی با تقریر کانتی که به خودآیینی انسان بسی اهمیت می‌دهد، متفاوت است. او گاه صریحاً میان کرامت مسلمان و غیرمسلمان فرق می‌گذارد؛ گاه از حرمت جنازه مسلمان و بی‌حرمتی جنازه غیرمسلمان همان‌گونه که در فقه رایج متداول است، سخن می‌گوید. به نظر او اسلام اهل کتاب را تحمل می‌کند؛ اما مشرک را مجبور به ترک عقیده می‌کند (مطهری، ۱۳۶۱: ۳۱۱)؛ بدین سان او از پذیرش مطلق آموزه‌های حقوق بشر رایج فاصله می‌گیرد.

۷. استاد مطهری برخی مفاهیم بنیادین حقوق بشری را با ادبیات کلامی و نه با زبان حقوق بشر مطرح کرده است. استاد در عدل الهی با تفسیر دقیق بسیاری از آیات و متون کوشیده است بر مدارای معرفتی و عملی که از بنیادهای حقوق بشر است تأکید کند. او بر تفکیک داوری ایزدی از داوری

تعامل مقصدگرایی و انسان‌گرایی در... ۵

انسانی تأکید می‌کند؛ به عقیده او تبیین مقامات بندگان خدا به عهده ما نیست (همان: ۲۶۵). شهید مطهری به‌نوعی حتی ضرورت ایمان برای نیکوکاران را هم به اعتبار نقش آن در تکامل روحی انسان مهم ارزیابی می‌کند (همان: ۳۰۵). او می‌گوید: «جداً معتقدیم که هرگاه عملی به‌منظور احسان و خدمت به خلق و به خاطر انسانیت انجام گیرد در ردیف عملی که انگیزه‌اش فقط [برای خود] است نیست (همان: ۳۰۷) و البته خداوند چنین کسانی را بی‌اجر نمی‌گذارد». در مقام داوری درباره‌ی تأثیر این‌گونه اندیشه‌های استاد باید به یاد داشته باشیم که این مطالب در زمینه‌ی تدوین یا بیان شده‌اند که تقریباً تمام فرقه‌ها و نحله‌های کلامی خود را ناجی و دیگران را گمراه و حتی جهنمی می‌دانستند.

۸. شهید مطهری مراتبی از انسان‌گرایی را به خداگرایی تعبیر و تفسیر می‌کند. به نظر او در عمق ضمیر آنان که بدون هیچ چشم‌داشتی به بندگان خداوند کمک می‌کنند، نوری از معرفت خداوندی هست و به فرض اینکه به زبان، خداوند را انکار کنند، در عمق ضمیرشان به خداوند اقرار دارند (همان، پیشین). علاقه به خیر و عدل و احسان از آن‌جهت که خیر و عدل و احسان است، بدون هیچ شائبه چیز دیگر، نشانه‌ای است از علاقه و محبت ذات جمیل علی‌الاطلاق (همان: ۳۳۱). شهید مطهری دیدگاه حکمای مسلمان را این‌گونه تقریر و تأیید می‌کند: «بحث حکما در این است که عملاً اکثریت انسان‌ها به تفاوت و به‌طور نسبی نیک‌اند؛ نیک می‌مانند، نیک می‌میرند و نیک محشور می‌شوند. حکما می‌خواهند بگویند: مردمی که توفیق قبول دین اسلام را می‌یابند در اقلیت‌اند، ولی افرادی که دارای اسلام فطری هستند و با اسلام فطری محشور می‌گردند، در اکثریت‌اند (همان، پیشین). به عقیده طرفداران این مشرب اینکه در قرآن کریم آمده است که انبیا از کسانی شفاعت می‌کنند که دین آن‌ها را بپسندند؛ مقصود دین فطری است نه دین اکتسابی که از روی قصور به آن نرسیده‌اند ولی عنادی هم با آن نورزیده‌اند» (مطهری، ۱۳۶۸: ۲۵۱). این‌گونه تلاش‌ها برای توسعه دایره

ناجیان و نیکان با رویکردهای بسته و تنگ‌نظرانه‌ای که دیروز و امروز در جهان اسلام ترویج می‌شود و آستانه تحمل امت اسلامی را نه تنها نسبت به افراد خارج از امت که نسبت به پیروان خود اسلام نیز پایین می‌آورد بسی فاصله دارد.

۹. حتی تحلیل گفتمان محتوای کتاب‌های به‌ظاهر ساده‌ای مانند داستان راستان چه‌بسا نشان می‌دهد که استاد مطهری در گزینش این داستان‌ها ارائه همان قرائت انسان‌گرایی موردنظر خود از اسلام را پیگیری می‌کرده است. شهید مطهری گاه توجیهات حق‌مدارانه‌ای از برخی احکام اسلامی نموده است؛ برای نمونه به نظر او تجویز تعدد زوجات برای مرد مربوط به شرایط استثنایی (نابرابری جمعیتی زن و مرد) و برای صیانت از حق تأهل زن است (مطهری، ۱۳۶۸: ۲۵۱). جالب است که او به برخورداری‌های جنسی و تشکیل خانواده با نگاه حق‌مدار می‌نگرد. او در کتاب سیری در نهج‌البلاغه چنان از حقوق انسان در برابر حاکمیت حتی در حاکمیت معصوم سخن می‌گوید که اگر امروز بخش‌هایی از کتاب نهج‌البلاغه عیناً تیتراژ شود، مطالب انتقادی، تند و جذاب قلمداد خواهد شد. متأسفانه ما چندان به نام حاکمیت خداوند از مسئول نبودن حاکمان دینی در برابر مردم سخن گفته‌ایم که حرف‌های مطهری امروز می‌تواند برای جوان‌ها باعث شگفتی باشد. به‌رحال اینکه او حاکمیت حاکمان را به مراقبت به اخلاق و رعایت آن و نه تحمیل اخلاق تبیین و تفسیر می‌کند، مسئله‌ای بااهمیت است.

۱۰. سخن را کوتاه می‌کنم، به نظر این‌جانب شهید مطهری در زمانه خویش برای درکی عاقلانه از دین و شریعتی انسان‌گرا سخت کوشیده است. هرچند ممکن است او خود در مواردی بر پایه آن بنیادها مشی نکرده باشد. پیگیری و توسعه این دو رویکرد تا زمانی که شهید مطهری در پیگیری آن نقش داشت، با شهادت استاد به حاشیه رفت. کاری که بی‌گمان حیات استاد می‌توانست زمینه‌ساز تداوم آن باشد. پیگیری و تعمیق این هر دو رویکرد، از ضرورت‌های روش‌شناختی برای اسلام‌پژوهان و فقه‌پژوهان امروز و

تعامل مقصد‌گرایی و انسان‌گرایی در... ۷

فرداهاست. فریاد شهید مطهری همان‌گونه که برای دعوت مسلمانان به دفاع از قدس و مسئله فلسطین بلند بود در دفاع از آزادی و آزاداندیشی نیز به‌اندازه خود بلند بود؛ اما امروزه نهادها و رسانه‌های رسمی فریادهای او در دفاع از آزادی و مردم‌سالاری را دانسته یا نادانسته کنار گذاشته‌اند. صدای استاد تقریباً تنها چند روز پیش از روز قدس در زمینه دعوت مردم به حمایت از قدس و فلسطین به گوش می‌رسد؛ اما فریاد او در دفاع از آزادی دیگر گوش‌ها را نمی‌نوازد. طبیعی است نسلی که تنها به‌این‌ترتیب با شهید مطهری آشنا شود تصور و درک ناقصی از او داشته باشد و البته هر کس در این باره تقصیر داشته باشد، مسئولیت اخلاقی و الهی خواهد داشت.